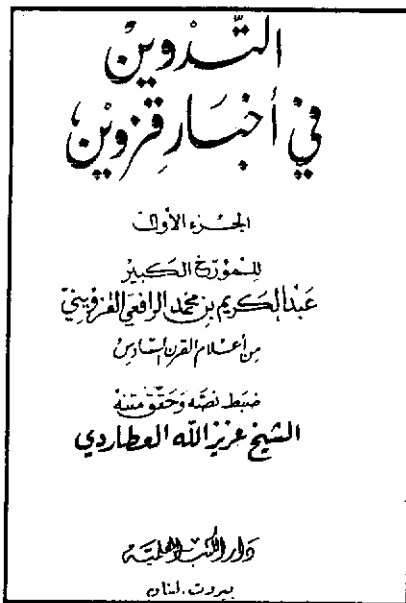


سیری

دو

«التدوین فی اخبار قزوین»

مرتضی ذکایی ساوی



عبدالکريم بن محمد رافعی قزوینی. التدوین فی اخبار قزوین. تحقیق شیخ عزیزالله عطاردی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۷م. ج ۳، ۲۰۸+۵۰۰ ص.

- تاریخ سمرقند و تاریخ استرآباد، از ابوسعید عبدالرحمن بن محمد ادیسی استرآبادی (۴۰۵ق).
- تاریخ قم، از حسن بن محمد قمی (۳۷۸ق).
- طبقات الهمدانیین، از ابوالفضل صالح بن احمد همدانی

۱. التدوین فی اخبار قزوین، عبدالکريم بن محمد رافعی، تحقیق شیخ عزیزالله عطاردی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸هـ - ۱۹۰۸م، ج ۱، ص ۳۲۹.
۲. التدوین فی اخبار قزوین، ج ۱، ص ۳۳۰-۳۳۱.
۳. التدوین، ج ۲، ص ۵۰۱.
۴. تاریخ التراث العربی، فواد سزگین، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، طبع دوم، ۱۴۱۲هـ، جلد دوم (از التدوین تاریخی)، ص ۲۲۷.

«التدوین فی اخبار قزوین» از کاملترین و بهترین کتابهای تاریخ رجالی و محلی ایران است. مؤلف خود در رساله مفصلی موسوم به «الفصل فی فضل ابوالفضل»^۱ که شرح احوال و آثار پدر اوست - سلسله نیاکان خود را شناسانده و گفته: «نیای بزرگ ایشان مردی با نام رافع یا ابورافع یا ابراهیم بن علی رافعی از تبار تازیان بوده که در قرن یکم هجری به قزوین و همدان کوچیده در آنجا سکونت گزیده است. پس از وی فرزندان او به رافعیان مشهور گشته اند که اکثر اهل علم و حدیث بوده و برخی از ایشان در قزوین و همدان به منصب قضاوت هم رسیده اند.»^۲

اثر بزرگ رافعی همین کتاب «التدوین فی اخبار قزوین» است که در سالهای اخیر به شکلی زیبا و مطلوب در بیروت به چاپ رسیده است. البته رافعی در مقدمه کتاب از آن با عنوان «التدوین فی ذکر اهل العلم بقزوین» نیز نام برده (ج ۱، ص ۳)، و گاهی نیز آن را «التدوین فی علماء قزوین» نامیده است.

نگارش کتابهایی از این دست در کشور ما سابقه ای طولانیتر دارد، از جمله:

- تاریخ قزوین و فضائلها و معجم شیوخه، از ابویعلی حافظ خلیل بن عبدالله بن احمد خلیلی (۴۴۶ق).^۳

۵. (۳۸۴-۳۰۳ق.)

- تاریخ خراسان و ولایة خراسان، از ابوعلی حسین بن احمد سلامی (۳۵۰ق.) ۶.

- تاریخ هرات، از ابواسحاق احمد بن محمد الحداد هروی (۳۳۴ق.) ۷.

- تاریخ مرو، از ابوالحسن احمد بن سیار (۱۹۸-۲۶۸ق.) ۸.
رافعی در مقدمه کتاب (ج ۱، ص ۲) کتابهای تاریخی را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱- کتابهای تاریخ عمومی، مانند تاریخ ابن نمیر، احمد بن حنبل و تاریخ بخاری.

۲- کتابهای ویژه تاریخ سرزمین ها و کشورها، مانند تاریخ شام.

۳- کتاب های ویژه تاریخ شهرها و بلاد، مانند تاریخ بغداد خطیب بغدادی، تاریخ هرات ابن اسحاق و ...

هدف وی از تألیف «التدوین» نگارش یک کتاب تاریخ محلی کامل برای قزوین بوده، تا مشتمل بر اخبار قزوین و ساکنان، ذکر رجال و دانشمندان «شهرستان قزوین» (ج ۱، ص ۹۳) و فواید دیگر باشد. (ج ۱، ص ۳).

رافعی التدوین را به زبان عربی نگاشته و مقدمه آن را به چهار فصل تقسیم کرده است:

یکم: در فضایل قزوین و خصوصیات آن.

دوم: درباره نام قزوین.

سوم: در کیفیت بنای قزوین.

چهارم: درباره مساجد، مقابر و مدارس شهرستان قزوین (ج ۱، ص ۳-۴).

پس از این به ذکر کسانی از صحابه رسول خدا (ص) و تابعین پرداخته که به قزوین وارد شده اند؛ از جمله: براء بن عازب انصاری صحابی (ج ۱، ص ۶۰)، سعید بن عاص اموی (ج ۱، ص ۶۰)، سلمان فارسی (ج ۱، ص ۷۸)، اباهریره (ج ۱، ص ۷۸)، سلمان بن ربیع تمیمی باهلی (ج ۱، ص ۷۹)، ولید بن عقبه بن ابی معیط (ج ۱، ص ۸۴) و سعید بن جبیر (ج ۱، ص ۱۰۰).

در این گونه موارد رافعی گاه راه افراط پیموده و مواردی را نقل کرده که سند معتبر تاریخی ندارد؛ مثلاً اویس قرنی را از جمله تابعین برشمرده که به قزوین آمد و در جنگ منطقه دیلم به شهادت رسید و در همان جا دفن شد (ج ۱، ص ۹۸).

در صورتی که می دانیم اویس قرنی در جنگ صفین و در رکاب حضرت علی (ع) به شهادت رسیده است. در جای دیگر به ورود حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام - امام هشتم شیعیان

به قزوین و اختفای آن حضرت در آنجا اشاره کرده است (ج ۳، ص ۴۲۸). خوشبختانه مصحح فاضل کتاب به این موارد اشاره کرده و این اقوال را غیر مستند دانسته است (ج ۳، ص ۴۲۸).
پس از این مقدمات، رافعی به متن اصلی کتاب و ذکر رجال منطقه قزوین پرداخته است.

روش شناسی التدوین

رافعی در فهرست بندی نام رجال دو عامل اصلی را ملاک کار خود قرار داده است. نخست: ترتیب الفبایی نام شخص. دوم: ترتیب الفبایی نام پدر او.

استثنایی که در این مورد وجود دارد تنها مربوط به رجالی با نامهای محمد است که رافعی به خاطر احترام به نام مبارک رسول گرامی اسلام (ص)، این اسامی را در فصل اول قرار داده و همین افراد را بر اساس ترتیب الفبایی نام پدر آنها طبقه بندی کرده است؛ به این شکل که ترتیب الفبایی را با عنوان «المحمدون حرف الالف فی آبائهم» آغازیده و تا «حرف الیاء فی الآباء» پیش رفته است.

فصل بعدی با عنوان «القول فی من سوی المحدثین» (ج ۲، ص ۹۷) آغاز شده که در آن به فهرست بندی نامهای دیگر به جز محمد از حرف الف تا حرف یاء پرداخته است؛ برای نمونه در بخش «اسم الابراهیم»: ابراهیم بن احمد، ابراهیم بن بینمان، ابراهیم بن جبریل، ابراهیم بن حجاج ... تا ابراهیم بن یوسف را فهرست نموده و به همین شکل به فهرست بندی نامهای احمد، ادریس، اسحاق، اسعد، اسفندیار، اسماعیل تایحی بن زکریا (ج ۴، ص ۲۰۸)، پرداخته است.

به نظر می رسد در روش فهرست نگاری رافعی پاره ای ایرادها و نواقص وجود داشته باشد:

یکم، اینکه همه نامهای رجال در هر فصل، در این سیستم قرار نگرفته است و رافعی مجبور شده در پایان برخی از فصلها به ذکر استدراکات آن بپردازد؛ برای نمونه فصل «زیادات المحدثین من غیر رعایة الترتیب فی الآباء» (ج ۲، ص ۶۶) و «زیادات

۵. همان منبع، ص ۲۲۶.

۶. همان منبع، ص ۲۲۵.

۷. همان منبع، ص ۲۲۴.

۸. همان منبع، ص ۲۲۳-۲۲۴.

- فضایل قزوین ابن ثابت .
- فضایل قزوین ، ابو منصور یمینی .
- احوال البلدة القزوین ، امام هبة بن زاذان (ج ۱ ، ص ۳) .
- تاریخ اصبهان ، حافظ ابو نعیم حمزه بن حسن اصفهانی (ج ۱ ، ۲۵۴ ، ۱۸۵ ، ۱۲۸) .
- تاریخ اصبهان ، ابن مردویه ، (ج ۱ ، ص ۲) .
- طبقات اهل اصبهان (یا تاریخ اصبهان) از یحیی بن عبدالوهاب بن منده (ج ۲ ، ص ۳۰۸) .
- تاریخ همدان از شیرویه بن شهردار ابو شجاع همدانی (ج ۱ ، ص ۲۹۲) و (ج ۳ ، ص ۸۵) .
- طبقات الهمدانیین یا (طبقات اهل همدان) از شیرویه بن شهردار همدانی (ج ۳ ، ص ۳۷۰) .
- تاریخ ری از ابو سعید آوی (ج ۲ ، ص ۲۹۵) .
- تاریخ همدان از صالح بن احمد همدانی (ج ۱ ، ص ۲) .
- تاریخ ری از شیخ منتجب الدین .
- تاریخ موصل (ج ۱ ، ص ۲) .
- تاریخ مصر از ابی سعد بن یونس (ج ۱ ، ص ۲) .
- تاریخ هرات از ابن اسحاق بن معین (ج ۱ ، ص ۲) .
- تاریخ بلخ از ابی اسحاق مستعملی (ج ۱ ، ص ۳) .
- تاریخ مرو از عباس بن مصعب و احمد بن سیار (ج ۱ ، ص ۲) .
- تاریخ بخارا ، از ابی عبدالله غنجاور (ج ۱ ، ص ۳) .
- تاریخ سمرقند از ابی سعد ادویسی (ج ۱ ، ص ۳) .
- تاریخ نیشابور از ابو عبدالله حافظ (ج ۱ ، ص ۵۲) .
- تاریخ بغداد از ابوبکر خطیب بغدادی (ج ۱ ، ص ۴۳۱) .
- تاریخ الیمن و احوال رواینها از ابی محمد عبید بن محمد کشوری (ج ۳ ، ص ۳۸۹) .
- تاریخ خوارزم ، از شیخ امام محمود بن محمد بن عباس خوارزمی (ج ۱ ، ص ۱۸۹) .
- مجموع التواریخ ، از ابو عبدالله محمد بن ابراهیم رازی (ج ۱ ، ص ۱۳۲) .

پیشتر گفتیم که رافعی سنّی شافعی مذهب بوده و عقاید دینی خود را در نگارش التلویین دخالت داده است :

الفقه فقه الشافعی و آتما

من بیحره کل بقدر یغرف

لولا ضیاء علومه و نجومه

ماکان للتحقیق وجه یعرف

(ج ۴ ، ص ۳۱۵)

در اینجا باید گفت که رافعی به واسطه عقاید مذهبی خود در

حرف العین» (ج ۴ ، ص ۱) ، به این دلیل نوشته شده است .
دوم ، ترتیب الفبایی نام پندران رجال دو همه جا بدقت رعایت نشده ؛ مثلاً در جایی احمد بن حجازی قبل از احمد بن حارث قرار گرفته که بایستی بعد از آن قرار می گرفت .
سوم ، برای یافتن نام یکی از رجال بایستی نام پدر او را نیز دانست ، و این خود باعث دیرباب شدن فهرست رافعی شده است .
چهارم ، از اسامی مشهور و رجال در فهرست نویسی استفاده نشده است ؛ مثلاً صاحب بن عبّاد (اسم اشهر) در فصل اسماعیل بن عبّاد (ج ۲ ، ص ۲۹۳) ذکر شده و یا رافعی (پدر مؤلف) در فصل محمد بن عبدالکریم ذکر شده است (ج ۱ ، ص ۳۲۸) .

منابع و مأخذ التلویین

رافعی دو نگارش التلویین از منابع کتبی یا شفاهی فراوانی سود جسته است که اکثر آنها را کتابها و اخبار اهل سنت تشکیل می دهد . زیرا او خود سنّی شافعی مذهب بوده است و عقاید خود را - همچنانکه خواهیم گفت - دو نگارش التلویین تأثیر و دخالت داده است .

صحاح بخاری و مسلم بیش از منابع دیگر در نقل اخبار و روایات مورد استفاده رافعی قرار گرفته اند . پس از آن مسند و کتاب الامّ شافعی ، مسند احمد بن حنبل ، تاریخ کبیر محمد بن اسماعیل بخاری ، سنن ابن ماجه ، تاریخ طبری ، اخبار الطوال احمد بن داوود دینوری ، الجرح و التعذیل ابن ابی حاتم رازی ، معارف و اصلاح الغلط ابن قتیبه دینوری ، فضائل الصحابة احمد بن محمد زهری ، معرفة الحدیث حافظ ابو نعیم ، طبقات اصحاب الشافعی یا طبقات الفقهاء الشافعیین از ابو محمد عبدالله بن یوسف جرجانی ، تمّة یتیمه الدهر و اللمع الفضة ابو منصور ثعالبی ، مجموعه آثار جاحظ ، مجموعه آثار عبدالرحمن سلمی و مجموعه آثار ابوالقاسم قشیری و بسیاری دیگر مورد استفاده رافعی قرار گرفته اند .

برخی کتابهای تاریخ محلی نیز مورد استفاده او قرار گرفته اند ، و از آنجا که اکثر این کتابها بدیخته‌تانه تا امروز برجای نمانده اند ، یکی از ارزشهای الوالی «التلویین» استفاده از این منابع مهم تاریخی است . از آن جمله اند :

- کتاب تاریخ قزوین و فضائلها و معجم شیوخه از ابویعلی خلیل بن عبدالله بن احمد خلیلی (ج ۲ ، ص ۵۰۱) .

تصوف را که از التدوین استخراج شده، ذکر می‌کنیم.

الف. علوم قرآنی

کتاب التلخیص فی القراءات از ابی معشر عبدالکریم بن عبدالصمد طبری (ج ۱، ص ۲۰۰).

کتاب القراءات از ابی حاتم سجستانی (ج ۱، ص ۲۲۱).

نکت علم القرآن که تلخیص محمد بن یوسف بن بندار از کتاب ابی الحسن علی بن عیسیٰ بغدادی است (ج ۱، ص ۵۹).

حروف اهل المکه از ابی محمد اسحاق بن احمد خزاعی که درباره حذف همزه (قرآن) سخن گفته است (ج ۱، ص ۲۵۰).

کتاب الوافی فی القراءات از محمد بن سلیمان ابوجعفر مقرئ قزوینی (ج ۲، ص ۶۸).

الواضح فی القراءات از ابی الحسن احمد بن رضوان بن محمد مقرئ [حدود ۴۲۲ق] (ج ۲، ص ۲۴۹).

شفاء الصدور فی التفسیر و کتاب القراءات السبع از ابوبکر محمد بن حسن بن زیاد نقاش (ج ۱، ص ۲۵۴).

اعراب القرآن از احمد بن یحیی ثعلب (ج ۱، ص ۱۹۱).

مشکل القرآن از ابن قتیبه دینوری (ج ۱، ص ۱۹۴).

فضائل القرآن ابی عبید. [قبل از ۴۰۷ق] (ج ۱، ص ۲۲۵).

المتهی فی اداء القراءات از ابی الفضل خزاعی (ج ۲، ص ۳).

کتاب الاقناع فی القراءات از ابی علی حسین بن محمد بن حسن مقرئ قزوینی، ۳۷۸ق (ج ۲، ص ۹۳).

کتاب الحیره شامل مباحثه بین عبدالغریب بن یحیی و بشر هریسی درباره خلق قرآن (ج ۲، ص ۹۵).

کفایة الانوار فی القراءات از ابو سلیمان داود بن مختار بن عباس مقرئ قزوینی (ج ۲، ص ۶).

تفسیر کبیر قرآن از ابویوسف عبدالسلام بن محمد بن یوسف بن بندار قزوینی که مباحث و مقالات معتزله در آن فراوان یافت می‌شود (ج ۳، ص ۱۷۸).

تفسیر القرآن فی الحلال والحرام از مقاتل بن سلیمان که شامل تفسیر ۵۰۰ آیه از قرآن کریم است (ج ۳، ص ۲۳۰).

تفسیر قرآن از بکر بن سهل دمیاطی (ج ۲، ص ۳).

التحصیل فی التفسیر التنزیل، ابو الفضل رافعی پدر مؤلف، در ۳۰ مجلد، (ج ۱، ص ۳۷۷).

ب. کلام

کتاب التوحید والمعرفة از محمد بن جعدویه خلقانی (ج ۱، ص ۲۳۸).

کتاب کفایة فی الکلام از ابو عبد الله حسین بن نصر معروفی (ج ۱، ص ۲۳۹).

مواردی از جاده اعتدال و بی طرفی که لازمه تحقیقات علمی است خارج شده و برخی روایات را یکجانبه نقل کرده است. از جمله در جلد نخست درباره کیفیت صلوات بر رسول خدا روایتی را از حضرت رسول اکرم (ص) نقل کرده و شکل صلوات را چنین آورده: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد» آنگاه درباره این که آل محمد چه کسانی هستند، بحث کرده و گفته «وفی الحدیث من آل محمد؟ قال عباس وعقیل وجعفر وعلی رضی الله عنهم» (ج ۱، ص ۱۵۱). وی از روایات فراوان موجود درباره آل محمد (ص) مثل روایات پیرامون آیه مباهله و جز آن که به وضوح آل محمد (ص) را علی (ع) و فاطمه و حسن و حسین - علیهم السلام - معرفی کرده اند، سخنی نگفته است.

در جای دیگر هنگام بحث از فضایل علمی صاحب بن عبّاد، او را در عالی ترین درجات علمی مورد ستایش قرار داده، سپس افزوده که تنها نقص و ایراد بزرگ صاحب بن عبّاد اعتقاد او به مذهب تشیع بوده است! (ج ۲، ص ۲۹۳).

البته ناگفته نماند که در بعضی موارد رافعی ضمن مباحث خود روایاتی را نیز در شأن امامان بزرگوار شیعه نقل کرده است. از جمله در جایی قول ابن عباس را نقل کرده که در آیه شریفه «أَقْمِنَ كَانِ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانِ فَاسِقًا» منظور از مؤمن، علی بن ابی طالب و منظور از فاسق، عقبه بن ابی معیط است (ج ۳، ص ۱۶۳). در جای دیگر به اسناد خود از ابوهریره روایت کرده که از رسول خدا (ص) شنیده که گفت: «مَنْ أَحَبَّ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي» (ج ۳، ص ۳۲۶).

برخی فواید در «التدوین»

همانگونه که پیش از این نیز گفته شد یکی از فواید مهم این کتاب ذکر نام و استفاده از کتابها و منابعی است که به هر مناسبت از آنها یاد کرده است. اکثر این کتابها امروز در دست نیستند و در منابع کتابشناختی دیگر هم ذکری از آنها نیست. بنابراین چنانچه این کتابها به طور دقیق و کامل از التدوین استخراج شود، خود رساله کتابشناختی مستقل و با اهمیتی را تشکیل خواهد داد که در رشته های مختلف علوم قرآنی، کلام، حدیث و عرفان حاوی اطلاعات سودمند و مفیدی تواند بود. برای نمونه برخی از کتابهای مربوط به علوم قرآنی، کلام، ادبیات، اخلاق، عرفان و

- هدم الاعتزال از ابو مضر ربیعہ بن علی عجلی (ج ۴، ص ۱).
- کتاب الداعی الی التفکر فی الدنیا از ابوسعید اسماعیل بن علی بن منی استرآبادی (ج ۴، ص ۴۶).

ج. اخلاق

- حلیۃ الاولیاء، حافظ ابونعیم اصفهانی (ج ۱، ص ۲۱۹).
- اخلاق العلماء، ابی بکر آجری (ج ۱، ص ۲۶۳).
- آداب المریدین فی شرح مقامات السالکین، ابوبکر قزوینی محمد بن احمد بن علی واعظ (ج ۱، ص ۱۹۰).
- کتاب الرياضه، شیخ ابی محمد ابهری (ج ۱، ص ۱۰۱).
- کتاب الارشاد از حافظ خلیل خلیلی (ج ۱، ۱۱۵، ۱۱۸).

د. ادبیات و عرفان

- کتاب الحماسه فی اختیار شعر شعراء العصر از ابو محمد ضریب قزوینی (ج ۲، ص ۸۵).
- کتاب الاربعین از ابوالقاسم قشیری (ج ۴، ص ۸۸).
- کتاب التلویح فی شرح الفصحیح و کتاب فصل العقود و حل العقود در شرح ایات کتابهای مشهور از مجمع بن محمد بن احمد عجلی ابوالحسین قزوینی (ج ۴، ص ۶۱).

- شرح المزارات به فارسی از عبدالرحمن بن حسن صوفی قزوینی (ج ۳، ص ۱۴۴).

- الاربعین فی الرباعی از ابی العباس سراغی (ج ۳، ص ۲۹۳).

- بث الشکوی، ابو محمد طاهر بن احمد بن محمد معروف به نجار (ج ۳، ص ۹۶).

- الکافی فی العروض والقوافی، خطیب تبریزی (ج ۳، ص ۹۸).

- معجم الشعراء، ابو عبیدالله محمد بن عمران مرزبانی (ج ۳، ص ۲۹۴).

ه. تصوف

با استفاده از التدوین رافعی می توان فهرست مفصلی از کتابهای اهل تصوف که تا زمان حیات او تألیف شده سامان داد. تنها برای نمونه اگر فهرست استخراج شده آثار ابوعبدالرحمن سلمی را از التدوین با مجموعه آثار او که اخیراً از سوی مرکز نشر دانشگاهی در دو جلد به چاپ رسیده،^۹ مقایسه کنیم، مشاهده خواهد شد که جای بسیاری از آثار مسلم عبدالرحمن سلمی در آن مجموعه همچنان خالی است. برخی از این آثار عبارتند از:

- مقامات الاولیاء (ج ۲، ص ۴۶۵؛ ج ۳، ص ۳۲۲).

- سنن صوفیه (ج ۱، ص ۱۷۳)

- کتاب الاطعمه (ج ۲، ص ۸۹)

- شرح الاغانی (ج ۳، ص ۴۵)

- المواعظ والوصایا (ج ۳، ص ۲۲۷)

- امالی (ج ۳، ص ۳۸۴)

- حکایات المشائخ و اشعارهم (ج ۱، ص ۲۵۴).

یکی دیگر از فواید التدوین ذکر خاندانهای کهن چون اسماعیلیان، دیلمیان، لنگریان، مسافریان، خاندانهای کرجی، جستانیان، سالاریان کاکویان جبال، ترکان، خزران و جز اینهاست. همچنین ذکر مشاهیر حکمت و عرفان و ادب چون: ابوحامد غزالی، ابن فارس لغوی (و کتابخانه معروف او)، فخرالدین رازی، ابوسعید ابی الخیر، خاقانی شاعر، ابوحامد غرناطی سیاح مشهور اندلسی، حافظ ابوالعلاء عطار همدانی، مسولیان، اعلام و محدثان سده ششم و جز اینهاست.^{۱۰}

همچنین ذکر اسامی بسیاری از بلاد، روستاها، مساجد، مدارس، رودها، و قبوات منطقه قزوین که در جای خود مهم و سودمند است.

الف: اسامی بلاد و روستاها: دستبی یا دشتبی (ج ۱، ص ۴۷، ۴۸ و ۱۲۰) که شاید بگ دشت = دشت خدا باشد. رامند (ج ۱، ص ۴۸)، سلقان رود (ج ۱، ص ۴۷)، قرقسین (ج ۱، ص ۴۸، ۱۹۶)، اسفقتان (ج ۱، ص ۴۷)، بوبین زهرا (ج ۱، ص ۴۸)، عمران (ج ۱، ص ۴۸)، جیرندق (ج ۱، ص ۵۷)، خرقان (ج ۱، ص ۴۷)، سهرورد (ج ۱، ص ۴۹)، سجائن (ج ۱، ص ۴۹)، قصر البراذین (ج ۱، ص ۴۹)، قلعه شروین (ج ۱، ص ۱۰۹)، رودبار (ج ۱، ص ۱۶۱)، اهراز جسر (ج ۱، ص ۴۸).

اهواز (ج ۱، ص ۳۶)، صامغان، دستجرد، دزج، جیکان، باجرون، زنجان، طالقان، ابهر، زراره، اندرمان، مندرستان

۹. مجموعه آثار عبدالرحمن سلمی، گردآوری نصرالله پورجوادی، جلد اول، چاپ مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ و جلد دوم چاپ همانجا، ۱۳۷۲. کتابگزاری جلد اول این کتاب به قلم علیرضا ذکاوتی قراگزلو در مجله آینه پژوهش، سال اول، شماره سوم، مهر و آبان ۱۳۶۹ (صص ۴۵-۴۶) و جلد دوم به قلم همو در آینه پژوهش، سال چهارم، شماره چهارم، آذر و دی ۱۳۷۲ (صص ۸۱-۸۲) به چاپ رسیده است.

۱۰. رافعی قزوینی و کتاب التدوین (خلاصه مقاله)، دکتر پرویز اذکایی، مندرج در خلاصه مقالات اولین سمینار رشد و توسعه قزوین، قزوین، مهرماه ۱۳۷۱، ص ۹.

(ج ۱، ص ۴۹)، خیارج، فارسجین، جوران، اندجن، (ج ۱، ص ۴۸)، اران، بردعه، تفلیس، گرگان (ج ۱، ص ۳۷)، شهرزور، بحرین، شام، بلغار (ج ۱، ص ۳۶)، قاقزان (ج ۱، ص ۱۲۰)، قریه شرف آباد (ج ۱، ص ۱۵۴)، تومجین از قرای قزوین (ج ۱، ص ۱۳۸)، دهک (ج ۱، ص ۴۲)، ساوه (ج ۲، ص ۵۶)، نیشابور (ج ۱، ص ۲۲۲-۲۲۳)، کرج ابودلف عجلی (= اراک کنونی) (ج ۴، ص ۴۴، ۴۵)، کاشغر (ج ۱، ص ۱۳۶)، طزرک، اشنستان، شادساپور، کهنبر (ج ۱، ص ۵۷)، سجستان (ج ۱، ص ۳۶)، اسفراین (ج ۲، ص ۵۰۰)، فاراب (ج ۲، ص ۵۰۴)، طبرستان، آمل (ج ۲، ص ۴۵۹)، کرمان، جیرفت، بردسیر (ج ۱، ص ۲۹۱)، هرمزدان (ج ۱، ص ۲۹۱)، مأمونیه زرنند (ج ۳، ص ۸۸) و بسیاری دیگر.

ب. مساجد قزوین

مسجد توت (ج ۱، ص ۲۷)، مسجد بنی مرار قزوین (ج ۱، ص ۵۵)، مسجد طیبین قزوین (ج ۱، ص ۵۵)، مسجد جامع اصحاب ابی حنیفه در روستای قطن (ج ۱، ص ۵۴)، مسجد محمد بن مسعود قزوین (ج ۱، ص ۵۵)، مسجد قاضی اسماعیل مالکی در راه صامغان (ج ۱، ص ۵۵)، مسجد ابراهیم سال ۳۳۲ق، (ج ۲، ص ۱۲)، مسجد عزیز در شنستان (ج ۱، ص ۵۷)، مسجد بنی مارا در راه دزج (ج ۱، ص ۵۵)، مسجد الکتاب در راه جوسق (ج ۱، ص ۵۵)، مسجد دهک، مسجد ابی الغریب (ج ۱، ص ۵۵)، مسجد مدینه المبارک (ج ۱، ص ۵۶)، مسجد حوض النبی، مسجد باب المدینه، سال ۴۱۴ق (ج ۱، ص ۵۵-۵۶) و ...

ج. مدارس دینی قزوین

مدرسه العنبریه، ج ۱، ص ۱۳۰، مدرسه خلیلیه (محمد بن ابراهیم خلیلی) ۵۵۴ق، (ج ۱، ص ۱۳۷)، مدرسه الامیر، ۵۰۸ق، (ج ۲، ص ۱۲)، مدرسه قاضی عمر بن عبد الحمید ماکی (ج ۳، ص ۲۳۴).

د. خانقاهها

خانقاه جوهر خاتون (= گوهر خاتون) (ج ۱، ص ۱۳۰)، خانقاه برش انکوران در راه ابهر که متوکی آن محمد بن حسن بن یوسف بن لاء زنجانی بوده است. (ج ۱، ص ۲۵۸)، خانقاه شهرهیزه در محله ابن مراد قزوین (ج ۱، ص ۵۷).

ه. سدّها و قنات

سد دهل بند (= شاید دلف بند منسوب به ابودلف عجلی) در راه ابهر (ج ۱، ص ۴۹)، قنات طیفوریه، خمارتاشیه، ززاریه، سیدیّه، خاتونیه، (ج ۱، ص ۵۱)، و قنات حاجب حسن، سال ۵۷۰ق (ج ۱، ص ۵۲).

واژه‌ها و عبارات فارسی در التدوین

یکی از موارد جالب توجه در التدوین وجود واژه‌ها، عبارتها و اشعار فارسی در آن است. با آنکه رافعی به مقتضای حال و هوای زمان خود، کتاب را به عربی نگاشته، اما از به کار بردن واژه‌های فارسی ناگزیر بوده است.

واژه‌هایی مانند خسروماه (ج ۱، ص ۲۴۹)، دهک و مرزبان (ج ۱، ص ۴۹)، ابن بلبل (ج ۳، ص ۵۰)، حرران دشت (ج ۳، ص ۲۰۱)، ابا مسعود کوتاه (ج ۳، ص ۱۲۳)، ابوالقاسم خواری المعروف بچهار ماهه (ج ۳، ص ۱۱۷)، خدادوست دیلمی (ج ۴، ص ۴۱، ۴۶). فضل الله بن سرهنگ (ج ۴، ص ۳۶)، ابن خاموش (ج ۲، ص ۳۸، ج ۳، ص ۲۵۵)، شاهپور خواست (نام روستا)، (ج ۲، ص ۶۳)، ابی الخیر باغبان ج ۱، ص ۱۸۵. ج ۲، ص ۴)، ابو عبدالله خوبکار (ج ۱، ص ۱۷۶)، ابن کوچک قزوینی (ج ۱، ص ۱۸۱)، ابن خداداد (ج ۱، ص ۱۸۴)، خورشید بن مردهین الدیلمی (ج ۲، ص ۴۸۸)، خودآمد. بن مسافر بن شافعی (ج ۲، ص ۴۸۸)، شیروان شاه (ج ۲، ص ۷۵)، توران شاه (ج ۲، ص ۷۰)، ابو عبدالله محمد بن حسن دهخدا قزوینی (ج ۱، ص ۲۴۶).

عبارات فارسی مانند «محمد بن ماجه القزوینی ... سنة تسع و تسعين و مائتين يقول ثنابندار ثنا مخلد بن يزيد ثنا مجالد عن الشعبي قال: ندیدم و ندانم هزار سالی (ج ۱، ص ۲۵۳) و قال فلما دخلت علی ادریس، قال لی سعید اچه بوزرعه پیام بمن موجار؟ قلت: لم (ج ۳، ص ۴۴۰).

و اشعار فارسی:

آزادی و عشق چون بهم نامدراست
بنده شدم و نهادم از یک سو خواست
زین پس چنانکه داردم دوست رواست
گفتار و خصومت از میانه برخاست
(ج ۱، ص ۴۱۰)

.*

یار ما را به هیچ برنگرفت
و آنچه گفتیم هیچ برنگرفت
(ج ۱، ص ۴۱۴)

.*

و کاستیهایی مشاهده می شود که در چاپهای بعدی - ان شاء الله - جبران خواهد شد.

برای نمونه، مصحح در موارد زیادی در پانوشتهای کتاب خواننده را به تعلیقات و تحقیقات خود در پایان کتاب ارجاع داده است (ج ۱، ص ۴، ۱۵، ۲۸، ۲۹، ۴۳ و ...) که متأسفانه در هیچ جای دوره چهار جلدی، چنین تعلیقاتی درج نشده است! در پایان جلد چهارم (ص ۴۰۸-۲۱۰)، مصحح اعلام اصلی کتاب را براساس فهرست رافعی تنظیم نموده است. چنانچه همه اعلام متن کتاب نیز فهرست می شد بر ارزش تحقیق او، دوچندان افزوده می گشت. جز این، جای فهرستهای فنی دیگر، چون فهرست آیات، روایات، نام کتابها، نام جایها، و قبایل خالی است. در چند مورد نیز اشتباهات چاپی در کتاب رخ داده که در چاپهای بعد تصحیح خواهد شد؛ از جمله: کتاب التبیان تألیف احمد بن عبدالله برقی (ج ۱، ص ۳۸)، در مواضع دیگر به شکل «البنیان» چاپ شده (ج ۱، ص ۴۴، ۴۷، ۴۸) است.

داور بن بندار (ج ۳، ص ۱۱) که صحیح آن داود بن بندار است. آداب الفقرا که صحیح آن آداب الفقرا (تألیف شیخ ابومحمد جعفر ابهری) است (ج ۳، ص ۳۶۷). ابوسعید الکی که صحیح آن ابوسعید آوی است (ج ۲، ص ۲۹۵). ابی محمد الانهری (ج ۴، ص ۹۴) که صحیح آن «الابهری» است. حدیثه عن ابی عبدالله الحسین بن احمد (ج ۴، ص ۸۷)، که «حدیثه» صحیح است. تلیقات (ج ۱، ص ۲۰۰) که صحیح آن تعلیقات است. و خبرنی (ج ۱، ص ۲۰۹) که صحیح آن خبرنی است. ... صرف نظر از این موارد جزئی، «التدوین فی اخبار قزوین» با تصحیح و تحقیق شیخ عزیزالله عطاردی کتابی سودمند، زیبا، مهذب و برای اهل تحقیق کارآمد تواند بود. توفیق او و اولیای محترم انتشارات «دارالکتب العلمیه» بیروت را در ارائه چنین خدمات ارزشمند علمی از خداوند بزرگ خواهانیم. الحمدلله اولاً و آخراً.



۱۱. شیخ عزیزالله عطاردی در سال ۱۲۵۱ در قریه بگلر از توابع شهرستان خورشان یا قوچان امروزی در استان خراسان متولد شده است (التدوین، ج ۳، ص).

پرده ما دریده گشت و هنوز
پرده کسار هیچ برنگرفت
(ج ۱، ص ۴۱۴)

و این مصراع کهن:

مشک شده ای همی ندانی پس و پیش
(ج ۱، ص ۴۱۰)

هر کدام در جای خود جالب توجه و قابل بررسی و تحقیق تواند بود.

مباحث ادبی و فقهی در التدوین

التدوین در عین حال که یک اثر رجالی و تاریخی بزرگ به شمار می رود، در عین حال از فواید ادبی و فقهی و روایی نیز خالی نیست. برای مثال رافعی در جایی از التدوین - از قول شیخ ابوالحسن بن فارس در تفسیرش - به بحث درباره واژه هایی مانند ابراهیم، اسماعیل، اسرافیل، جعفر، جفر، جفار، اجفر و ... پرداخته که در جای خود مهم و خواندنی است. در این بحث آمده که ابراهیم (ابراهام، ابراهم، ابراهم) اسامی فارسی هستند و سیبویه تصغیر آنها را بریهیم و مبرد، آیره نوشته است (ج ۱، ص ۱۵۸).

بحث لغوی درباره کلمه «فواق» در گویش های مختلف کوفی، حجازی و نجدی هم از این دست است (ج ۲، ص ۲۴۰).

مباحث فقهی نیز به بهانه های مختلف در التدوین مطرح شده است؛ مثلاً در جایی بحث فقهی مفصلی به نقل از صحیح بخاری و منابع دیگر درباره غسل و غسل جمعه و مسائل مربوط به آن مطرح کرده است (ج ۱، ص ۱۵۶). مسائل فقهی درباره کفاره روزه ماه مبارک رمضان (ج ۳، ص ۳۵۰)، و امام و مأوم در نماز جماعت (ج ۱، ص ۲۸۱) به عنوان نمونه های دیگر یاد کردنی است.

پاره ای ایرادها و نواقص در تصحیح

درباره تصحیح و تحقیق التدوین باید گفت مصحح فاضل و سختکوش آن شیخ عزیزالله عطاردی^{۱۱} تمام کوشش خود را برای پاک و مهذب کردن کتاب به کار برده است و - انصاف را - بخوبی از عهده این مهم برآمده است. تنها در چند مورد نواقص